

منبع: صوت الشعب

برگردان: احمد مزارعی

۶ فبروری ۲۰۱۲

در هر شرایطی، از میهن و نان روزانه مردم دفاع خواهیم کرد!

مهم‌ترین مسأله دفاع از استقلال میهن و آزادی است!

انقلاب با کمک امپریالیسم و ناتو هرگز!

مصاحبه با خالد بکدش

رهبر حزب کمونیست سوریه

انقلابی‌گری ما به این دلیل است که ما از استقلال کشور ما دفاع می‌کنیم، در دوره وجود اشغالگران فرانسوی در سوریه ما یک لحظه برای اخراج آنان از پا ننشستیم، آنچنان که مردم در سالهای پنجاه حزب ما را به «حزب جلاء» (به معنی حزبی که اشغالگران فرانسوی را از کشور بیرون کرد) ملقب کردند. با این حساب وقتی شما می‌گویید که در خیابانها انقلاب وجود دارد، من می‌گویم نه، این تمرد است و نه انقلاب، برای این که کسی نمی‌تواند با کمک پیمان «ناتو» و امپریالیسم امریکا انقلابی باشد. هنگامی که ما در مقابل توطئه‌های امریکا ایستاده گی می‌کنیم، مسلماً موضع ما موضعی انقلابی است. بله جنبشی در خیابانها وجود دارد، اما این جنبش انقلابی نیست. جنبش انقلابی نمی‌تواند با امریکا سمت و سو داشته باشد.



خانم «رادین سلیطین»، خبرنگار روزنامه «بلدنا»، مصاحبه با دکتر عمار بکدش، رهبر

حزب کمونیست سوریه به تاریخ ۴ جنوری ۲۰۱۲ انجام داده است و ما متن کامل

مصاحبه را از «صوت الشعب»، ارگان مرکزی حزب منتشر می‌کنیم.

س: حزب کمونیست سوریه، جناح بکدش، نسبت به حوادث سوریه در ده ماه گذشته چه نظری دارد؟

ج: باید بگویم که پس از صدور قانون احزاب در سوریه، اکنون تنها «حزب کمونیست سوریه» وجود دارد. هیچ جناح و حزب دیگری نیست و در جبهه که تشکیل شده تنها «حزب کمونیست سوریه (متحد)» وجود دارد و گروه‌ها و جناحهای سابق وجود ندارند. این را برای روشن شدن موضوع گفتم. حزب ما از سال ۱۹۲۴ وجود داشته است. در این دوره طولانی بسیاری آمدند و رفتند، اما حزب کمونیست سوریه سر جای خود باقی مانده است.

در مورد شرح وضعیت موجود، به نظر ما علت اصلی این حوادث سیاست اقتصادی دولت است که از ۶-۷ سال گذشته تحت عنوان «اقتصاد اجتماعی بازار» به اجرا درآمد. اما ماهیت این سیاست لیبرالیسم اقتصادی بود. من در اینجا وارد جزئیات و توضیحات این اقتصاد نمی‌شوم. اما هدف از آن تشویق سرمایه‌گذاریهای خارجی و هم زمان با آن اهمال و به فراموشی سپردن بخشهای اصلی تولید داخلی در کشور بود- هم‌چون صنایع و کشاورزی، به حساب بخشهای غیرمولد دیگر مانند مستغلات، سرمایه‌گذاریهای ربایی و توریسم. خلاصه این‌که این سیاست لیبرالیسم اقتصادی نوین باعث یک قطب بندی بزرگ اجتماعی گردید. این سیاست باعث اضمحلال تولیدکننده گان و طبقات میانی جامعه گردید، آنانی که اساس استقرار سیاسی و اجتماعی در جامعه بودند. این سیاست بسیار خطرناک است، زیرا بخش عمده از تولیدکننده گان را در جامعه به انزوا می‌فرستد. برای مثال، شخصی که تا چندی پیش بر روی قطعه زمین خود به تولید می‌پرداخت، با اجرای سیاستهای تازه دولت، امکان بهره برداری از زمین خود را ندارد، در نتیجه وی یا در محل زندگی خود منزوی می‌شود و یا این‌که به مناطق دیگر مهاجرت می‌کند. ما متوجه شده ایم که مهاجرت‌های زیادی در نتیجه اجرای این سیاست انجام گرفته است.

س: مسلماً توطئه بر ضد سوریه همیشه وجود داشته است و ده‌ها سال است که ادامه دارد، اما چرا اکنون چنین است؟

ج: توطئه علیه سوریه به این دلیل انجام می‌گیرد که سوریه موضع‌گیری دشمنانه‌ی بی با امپریالیسم دارد و با برنامه‌های تسلط‌جویانه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه سرسختانه مبارزه می‌کند. در حال حاضر سوریه مانع اصلی بر سر راه به اجرا درآوردن برنامه «خاورمیانه جدید» توسط امپریالیسم امریکا است. هدف امریکا از به اجرا درآوردن این برنامه همانا تسلط

کامل بر خاورمیانه است. اما این که چرا این تهاجم شدت پیدا کرده و امپریالیسم و صهیونیسم به همراه با نیروهای ارتجاعی همه نیروهای خود را بسیج کرده اند، به این علت است که جنبش آزادیبخش ملی عرب پیروزیهای چشم‌گیری به دست آورده است. اولین و برجسته ترین آن شکست امپریالیسم امریکا در عراق است، دوم شکست تهاجم دشمن صهیونیستی به جنوب لبنان در سال ۲۰۰۶، و سپس دو خیزش بزرگ و پیروزمند اعراب در تونس و مصر که موفق شدند دو رژیم مزدور و وابسته به امریکا و اسرائیل را ساقط کنند.

عکس‌العمل امریکا، اکنون این است که می‌خواهد خسارت وارده به خود و به اسرائیل را جبران کند، به همین دلیل نوک تیزه حمله خود را به سوی سوریه گرفته است. بدیهی است که توطئه نیز وجود داشته است. استمداد از نیروهای ارتجاعی در منطقه، صرف پول‌های زیاد، اما در سوریه نیز زمینه جذب عملکرد توطئه وجود دارد. سیاست لیبرالیسم اقتصادی که در میان مردم نفرت از اوضاع را به وجود آورده است.

س: آیا شما فکر نمی‌کنید که با این‌گونه نظرها، خواسته‌های سیاسی معترضان را نادیده می‌گیرید؟

ج: حزب ما بیش‌ترین درخواستها را برای آزادی و دموکراسی دارد. ما در کنگره یازدهم خود که در اول اکتبر ۲۰۱۰ برگزار گردید، بر روی یک برنامه دموکراتیک تأکید کردیم و در درجه نخست، درخواست اساسی ما لغو حالت فوق‌العاده در کشور بود؛ دوم، تصویب قانون احزاب و مطلب دیگر دادن شناسنامه به کردهایی بود که در نتیجه سرشماری سال ۱۹۶۲، از داشتن شناسنامه محروم شده بودند. سرشماری مذکور توسط نیروهای ارتجاعی در سایه حکومت تجزیه‌طلب انجام گرفته بود که ماهیتی طبقاتی داشت و نه ملی.

واضح است که ما در حال حاضر و همچون گذشته خواستار آزادیهای دموکراتیک به شکل گسترده‌ای هستیم. همچنین، خواستار آن هستیم که سیاستهای لیبرالیستی اقتصادی به طور کامل متوقف گردد و تأکید داریم که اجرای چنین سیاستهایی موقعیت ملی سوریه را در برابر امپریالیسم تقویت می‌کند.

س: آیا این نظر شما مورد توافق سایر گروه‌ها قرار دارد؟ و نظر سایر گروه‌ها در این باره چیست؟ و آیا میان شما و آنها هماهنگی وجود دارد؟

ج: ما گروه و جناح نیستیم، بلکه ما حزب هستیم.

س: سایر کمونیست‌های سوریه چطور؟

ج: در جبهه‌ای که ما تشکیل داده ایم «حزب کمونیست سوریه (متحد)» وجود دارد که نماینده آن از طرف کمیته مرکزی استاد یوسف فیصل است.

س: آیا با هم مشورت می‌کنید؟

ج: ما در چهارچوب «جبهه ملی پیشرو» حداقل هر ماه یکبار جلسه برگزار می‌کنیم، اعضای مرکزیت «جبهه ملی پیشرو» گردهم می‌آیند و به بحث و بررسی مسایل می‌پردازند.

س: در جریان بحران اخیر، آیا تبادل نظر میان شما وجود داشته است؟

ج: ما در چهارچوب «جبهه ملی پیشرو» با تمام احزاب موجود در جبهه، جلسات مشورتی داشته ایم، اما جلسات و مشاوره دو طرفه نبوده است، برای آن که ما همگان را در چهارچوب «جبهه ملی پیشرو» برابر می‌بینیم.

س: گفته می‌شود که از ابتدای اعتراضات، حزب شما در میان مردم حضور پیدا کرد و برای مردم توضیح داد که در جامعه از جهات مختلف چه می‌گذرد. مردم تا چه به شما گوش داده اند؟

ج: بله درست است. کادرهای ما به خاطر دفاع از موقعیت ملی به خیابان آمدند و شما اگر در خیابانها قدم بزنید مشاهده خواهید کرد که پوستره‌های ما در همه جا هست و بر روی آنها نوشته شده «دستها از سوریه کوتاه»، «سوریه تسلیم نخواهد شد». از مهم‌ترین تظاهراتی که ما به آن دست زدیم، تظاهرات در مقابل سفارت فرانسه بود، زیرا فرانسه موضعی بسیار دشمنانه علیه سوریه اتخاذ کرد و ما در آنجا یک تظاهرات به تمام معنی کامل پیش بردیم. شعارهایی که برافراشتیم چنین بودند: «سوریه تسلیم نخواهد شد!» «سوریه تاریخ استعماری و ضدانسانی فرانسه را فراموش نخواهد کرد!» و مشابه آنها. تظاهرات دیگر ما در میدان عرنوس بود که توسط جوانان دختر و پسر حزب ما انجام گرفت، در حقیقت این تظاهرات به تحسن منجر شد، هدف از این تحسن محکوم کردن تجاوز امپریالیسم و مزدوران منطقه‌یی آن بود که شامل نظامهای ارتجاعی می‌باشد.

موضوع دیگر این که ما قبل از شروع تظاهرات، با نوشتن تومارهایی که گاهاً یک صد هزار امضاء زیر خود داشت، درخواستهای توده را مطرح می‌کردیم. یکی از این درخواستها برای کم کردن قیمت بنزین بود. منظور این که ما از مدتها پیش برای کمک به حل مشکل مردم دست به اقدامات گوناگونی می‌زدیم. از سویی برای مبارزات ملی سوریه نیز پیش‌قدم بوده ایم. ما از سیاستهای ضد امپریالیستی سوریه همیشه حمایت کرده ایم، به این خاطر شعار سی ساله ما در گذشته دفاع از دو محور اصلی یعنی دفاع از میهن و حمایت از معیشت مردم بوده است، شعارهایی که از یکدیگر جدایی‌ناپذیر بوده اند.

س: هم اکنون در خیابانها انقلاب است. آیا تناقضی میان شما به عنوان یک حزب انقلابی، از یک سو، و موافقت شما با دولت برای رودرویی با مردم در خیابانها، از سوی دیگر، وجود ندارد؟ این دوگانه گی و تضاد را چه گونه تفسیر می‌کنید؟

ج: انقلابی‌گری ما به این دلیل است که ما از استقلال کشورمان دفاع می‌کنیم، در دوره وجود اشغال‌گران فرانسوی در سوریه ما یک لحظه برای اخراج آنان از پاننشستیم، آنچنان که مردم در سالهای پنجاه حزب ما را به «حزب جلاء» (به معنی حزبی که اشغال‌گران فرانسوی را از کشور بیرون کرد) ملقب کردند. در سالهای پنجاه ما با بورژوازی ملی و حزب بعث ائتلاف کردیم و در پارلمان، علیه پیمانهای امپریالیستی هم‌چون «پیمان استعماری بغداد»، «دکترین آیزنهاور» و «اصل چهار» تجمع پارلمانی تشکیل دادیم و این اقدام ما برای دفاع از استقلال کشور ضروری بود. انقلابی‌گری حزب ما در سالهای شصت در تجسم بخشیدن به اقداماتی در جهت پیشرفتهای نیازمندیهای اجتماعی همچون اصلاحات ارضی بود، که در حقیقت عمیق‌ترین و گسترده‌ترین نوع از اصلاحات ارضی بود که سوریه در اواسط سالهای شصت به پایان برد و در هیچ یک از کشورهای عربی سابقه نداشت. از طرفی ما در همین زمان موفق شدیم بخش دولتی قدرتمندی را در جامعه به وجود آوریم که دمکراسی آموزشی نتیجه آن بود و از آن زمان آموزش و پرورش از ابتدا تا انتها رایگان شد و بسیاری تحولات دیگر، از جمله ایجاد شبکه گسترده و سراسری بهداشت دولتی رایگان، امروز هم بهداشت و دارو در کشور رایگان است.

با این حساب وقتی شما می‌گوئید که در خیابانها انقلاب وجود دارد، من می‌گویم نه، این تمرد است و نه انقلاب، برای این که کسی نمی‌تواند با کمک پیمان «ناتو» و امپریالیسم امریکا انقلابی باشد.

هنگامی که ما در مقابل توطئه‌های امریکا ایستادگی می‌کنیم، مسلماً موضع ما موضعی انقلابی است. بله جنبشی در خیابانها وجود دارد، اما این جنبش انقلابی نیست. جنبش انقلابی نمی‌تواند با امریکا سمت و سو داشته باشد.

س: آیا موضع‌گیری دولت نیز این‌چنین است؟ آیا این بحرانی چند بعدی و پیچیده است؟

ج: اولاً نمی‌توان همه اعتراضات موجود را یکسان و یک‌رنگ دید. براین اساس من از همان ابتدای اعتراضات نظرم این بود که درخواستها باید میان طرفین یعنی مردم و دولت به طور مسالمت‌آمیز به بحث گذاشته شود، اما عملیات خرابکارانه هم‌چون ترور و ایجاد انفجارات مسلماً با عکس‌العمل قانون روبه‌رو می‌شود و این‌گونه برخورد دولت دمکراتیک است.

دفاع از حق دمکراتیک مردم در همه کشورهای دنیا این‌چنین است. هنگامی که مردم برای درخواستهای برحق خود به خیابان می‌آیند و تظاهر می‌کنند و شعار سر می‌دهند عمل برحقی است و باید به در خواستهای شان پاسخ داده شود. حقیقت این است که دولت این کار را انجام داد و گامهای مهمی در این راه برداشت. به ویژه باید گفت که دولت در زمینه آزادیهای دمکراتیک اقدامات مهمی انجام داد. دولت دو اقدام بسیار مهم را در این زمینه عملی کرد: لغو حالت فوق‌العاده و قانون آزادی احزاب. البته ما بر این قانون ملاحظاتی داریم، اما در هر جهت امروز برای تشکیل احزاب قانونی وجود دارد که در گذشته نبود و امکان تشکیل حزب وجود نداشت. اشکال این قانون این است که به شیوه قانون شرکتها نوشته شده است. با این وجود بسیاری از ملاحظات ما در مورد تعدیل قانون مذکور پذیرفته شد و البته می‌توان اشکال موجود را به علت حرفه‌ای نبودن قانون‌گذاران به حساب آورد.

در مورد قانون انتخابات باید گفت که تغییرات جدی در آن انجام نگرفته و بهترین راه برای یک انتخابات سالم در نظر گرفتن اصل نسبیت در انتخابات است.

برای این‌که بدانید، قانون نسبیت در انتخابات اولین بار در روسیه به اجرا درآمد، در ایتالیا نیز انتخابات بر مبنای نسبیت است، در ترکیه نوع مسخ شده آن اجرا می‌شود. متأسفانه باید بگویم که در سوریه هنوز این قانون در نظر گرفته نشده و می‌توان گفت که همان قانون انتخابات سابق باقی مانده است.

س: شما قبل از این گفتید که نقض قوانین به علت عدم آگاهی کامل قانون‌گذاران و حرفه‌ای نبودن آنان است. آیا این درست است؟

ج: بله، وقتی ما با مسؤولان دولتی صحبت می‌کنیم می‌گویند «بلی درست است»، اما آنچه که ما مطرح کردیم به این شکل است. البته ممکن است گزارش شما نتواند توضیحات مرا منعکس کند، با وجود این، نظر به علاقمندی که شما به مسایل سیاسی دارید، برای شما شرح خواهم داد که منظور از نسبت چیست؟

ما در مجلس ملی دارای ۲۵۰ کرسی هستیم، و در عین حال، ما در سوریه شرایط ویژه‌ای داریم. یکصدوپنجاه عدد از این کرسیها براساس نسبت، به این معنی که کل سوریه یک دایره انتخاباتی محسوب می‌شود، در نظر گرفته می‌شود. هر کس می‌تواند خود را در لیست ۱۵۰ نفری قرار دهد، حتی یک نفر به تنهایی می‌تواند کاندیدای نمایندگی مجلس شود، هر فرد باید ۳ درصد آرای رأی دهندگان را بیاورد و این طریقه یی دمکراتیک است که در اغلب دمکراسیهای دنیا انجام می‌شود. این تنها راه ورود به درون پارلمان است، هر کس کم‌تر از ۳ درصد رأی بیاورد نمی‌تواند وارد مجلس ملی گردد.

ما در سوریه ویژگی‌های اجتماعی داریم، در اینجا ما شیوخ عشایر داریم، و خصوصیات دیگر رنگارنگی سوریه زیباست. به خاطر رعایت این رنگارنگی و ویژگیهای زیبای کشور، یکصد کرسی براساس یک یا دو نماینده، برای مناطق و ویژگیهای خاص در نظر گرفته شده است. بدین شکل، میان دو خصوصیت موفق شده‌ایم. اولاً، انتخابات براساس نسبت دمکراتیک برای نیروهای سیاسی که به شکل بسیار درست و سالم کاندیدا می‌شوند و انتخاب می‌شوند یا نمی‌شوند. ثانیاً، از طریق دادن حق فردی برای رعایت آداب و رسوم موجود در کشور. با کمال تأسف باید بگویم که این طرح ما به درستی در نظر گرفته نشده است. هم‌اکنون، قانون انتخابات فعلی به مانند قانون قبلی است. چیزی که ما اکنون متوجه شده ایم این است که نمی‌توان بین قوانین موجود برای مجلس ملی و قوانین انتخابات برای شوراهای محلی هماهنگی ایجاد کرد، زیرا هر کدام از اینها به موضوعات و مشکلات ویژه‌ای می‌پردازد، ضروری است که ما در کشور دو قانون جداگانه داشته باشیم. یک قانون مخصوص انتخابات مجلس ملی و قانون جداگانه دیگری برای شوراهای محلی، و با در نظر گرفتن ویژگیهای لازم برای هر دوی آنها. قانون ویژه نماینده گان مجلس ملی باید عمده‌تاً سیاسی بوده و توسط یک هیأت عالی قانونگذار تدوین گردد، در صورتی که قانون شوراهای محلی بیش‌تر در مورد مشکلات روزمره و مسایل عادی مردم است و بر این اساس باید تدوین گردد.

دولت هم‌چنین درخواست ما را برای دادن شناسنامه به کردهایی که در سرشماری سال ۱۹۶۲ محروم شده بودند، پذیرفت. یکصد و چهار هزار نفر از آنها شناسنامه خود را دریافت کردند، ظلمی که در حق آنان شده جنبه طبقاتی داشت و برخلاف آنچه که تبلیغ شده بود به علت مسأله ملی نبود.

س: به نظر شما دولت در سمت‌گیری خود نسبت به مشکلات موجود، جدی است؟

ج: بله، از نظر سیاسی کاملاً جدی است.

س: آیا شما این شک را دارید که دولت به اعمالی که دست می‌زند، تنها مانور سیاسی است. اگر تعبیر من درست باشد، و هنگامی که بحران را از سر گذرانید، دوباره به سیاستهای گذشته باز خواهد گشت؟

ج: من یک مارکسیست هستم، مارکس گفت پراتیک معیار حقیقت است. غیر از این شک برانگیز و نیت‌های بدون عمل است. ما این قوانین را در عرصه عمل لمس کرده ایم، اما درخواست ما این است که غیر از آنچه در زمینه سیاسی عملاً اجرا شده، اقداماتی جدی نیز در زمینه اقتصاد به اجرا درآید. درخواست ما این است که در کل برنامه‌های اقتصادی که در ۶-۷ سال گذشته تحت عنوان «اقتصاد اجتماعی بازار» انجام گرفته به طور ریشه‌ای تجدیدنظر شود. این قوانین ضربات سختی به بنیه اجتماعی وارد آورد. و عده‌ی درصددند تا با وارد آوردن فشارها و ضربات اقتصادی بتوانند برنامه‌های سیاسی خود را اعمال کنند. ما شدیداً به این اعتراض کردیم، نه با گله و شکوه، بلکه به وسیله توضیح روشن آن در مطبوعات سیاسی خود و هم‌چنین در مذاکرات پارلمانی.

ما در مورد خصوصی‌سازی، ورود سرمایه‌های خارجی و از همه مهم‌تر خصوصی‌سازی برق اعتراض کردیم. ما به عنوان مارکسیست مخالف ورود هرگونه سرمایه خارجی و تشکیل بورس بودیم، زیرا سرمایه‌ها در سوریه بیش‌تر جنبه محلی و خانواده‌گی داشت و نیاز به تشکیل بورس نبود، بورس برای چه؟ برای این که گامی درازمدت و منفی‌البته برای آینده باشد، چرا؟ زیرا پس از تشکیل بورس مطرح کردند که شرکتها و مؤسسات بخش دولتی باید به صورت سهام فروخته شده و آن سهام در بازار بورس مبادله شود. این آخرین قانونی بود که در ضمن تصویب قوانین شرکت‌ها به تصویب رسید.

قوانین منفی دیگری که به تصویب رسید در مورد وضعیت کارگران بود که اشعار می‌داشت، می‌توان کارگر را به طور ناگهانی از کار اخراج کرد. هم اکنون ما شدیداً درخواست می‌کنیم که قوانین گذشته لغو شده و کارخانه‌ها مجدداً به مالکیت دولت درآیند و من ابایی ندارم که بگویم بهتر است سرمایه‌داری دولتی باشد. معنی سرمایه‌داری دولتی به نظر ما این است که دولت با قوت تمام در امور اقتصادی و اجتماعی نقش داشته باشد. چهار سال پیش در ۲۰۰۷، نخست وزیر در پارلمان اعلان داشت که دولت تاجر خوبی نیست و به مثابه تاجر شکست خورده است و باید همه مؤسسات دولتی را که در زمینه تجارت عمل می‌کنند تصفیه کنیم. در آن زمان پاسخ ما این بود که دولت بهتر است کنترل تجارت داخلی را به عهده بگیرد و خوشبختانه این وضع وجود دارد و گرنه اوضاع اقتصاد داخلی ما بسیار بدتر می‌بود. و اکنون درخواست می‌کنیم که دولت کنترل تجارت خارجی را هم در اختیار خود بگیرد.

هم اکنون در بازار داخلی چه وضعی حکم فرماست؟ شما به وضوح می‌بینید که قیمت‌ها بسیار پایین و مناسب است، به این دلیل که دولت مستقیماً کالاها را به صورت عمده از مؤسسات تولیدی خرید می‌کند و آن را توزیع می‌کند. از این جهت ما اصرار داریم که دولت کنترل همه مؤسسات را در دست بگیرد، به ویژه دولت باید کنترل تجارت خارجی را در اختیار بگیرد. در آن صورت دولت می‌تواند کنترل خرید و توزیع کالاها را در اختیار گرفته و به ویژه در شرایط سخت کنونی ما خواهیم توانست از شدت و گسترده گی مشکلات مردم کم کنیم.

ما حتا در مورد تأسیس بانکهای خصوصی هشدار دادیم و گفتیم که آنها نتایج خوبی برای کشور نخواهد داشت. اکنون پنج سال از شروع کار آنان گذشته است. آنان به چه کاری مشغولند؟ تنها کار مهم آنها دادن وام برای خرید ماشین است، آیا کار دیگری انجام می‌دهند؟ در صورتی که بخش دولتی و بانک‌های دولتی بار اصلی مشکلات جامعه را متحمل می‌شوند. ما از ابتدا مخالف این قانون بودیم و امروز هم خواستار آن هستیم که بانکهای خصوصی دولتی شوند. دولت باید انحصار بانکداری را در اختیار داشته باشد. ما در همان زمان به گروه اقتصادی که مسؤول این برنامه بود، اظهار داشتیم که شما تنها جنبه اقتصادی را در نظر دارید و مسأله سیاسی را در نظر نمی‌گیرید، ما گفتیم که سوریه به طور دایم با انواع توطئه‌ها و تحریم‌ها روبه‌روست، گفتیم که سوریه چند دهه است که در زیر تحریم و فشارهای گوناگون به سر می‌برد، کشور ما «ناروی» نیست. آن روز مسؤولان اقتصادی اظهار نظر ما را به هیچ گرفتند، اما اکنون بر همه گان آشکار شده که نظر ما صحیح بوده است.

شما امروز به دنیا نگاه کنید. اکثر دولتها در امور اقتصادی دخالت و آن را در کنترل خود می‌گیرند. بعد از بحران ۲۰۰۸-۲۰۰۹ جنرال موتورز، کرایسلر، مری‌لینچ و . . . همه دولتی شدند، یا دولت با دخالت در اراده آنها، کنترل آنها را زیر نظر دارد. در آن سالها ما این مشکلات را می‌دانستیم و پیش‌بینی می‌کردیم. وقتی به گروه اقتصادی آینده آن را توضیح می‌دادیم، با تبختر می‌گفتند، امکان ندارد، این‌چنین نخواهد شد، اما امروز شاهدیم که نظرات ما درست بوده است.

س: آیا امروز دولت در امور مختلف با شما مشورت می‌کند، یعنی رأی شما را در نظر می‌گیرد؟

ج: صراحتاً بگویم، گاهی آری، گاهی نه.

س: چه گونه و چه نوع مشورتی دولت با شما دارد؟

ج: قبل از حوادث اخیر مسایل مختلف به شکل دمکراتیک در کمیته مرکزی حزب بحث و بررسی می‌شد. همین‌طور در پارلمان نیز مسایل به بحث گذاشته می‌شد و ما نیز شرکت می‌کردیم، نماینده گان حزب کمونیست سوریه چهار نفر بودیم. هنگامی که مسأله خصوصی کردن برق کشور مطرح شد ما نیروی چپ در پارلمان هشت رأی داشتیم و یک نفر نیز از اعضای حزب بعث بود که به ما پیوست. یکی از مسؤولان دولتی اظهار داشت که شما اکنون ۹ نفر هستید. امروز مشاهده می‌کنیم که در آن روز بسیاری مثل ما مخالف بودند، اما این مخالفت در درون خودشان بود. هم‌اکنون جلسات ماهانه داریم و مسأله اصلی ما بحث وضعیت سیاسی است.

توضیح مترجم:

نمی‌توان حجم توطئه عظیم و گسترده‌ای را که بنا به خواست امریکا و فرمانبرداری ترکیه، عربستان، قطر در مرزهای سوریه می‌گذرد، به «دیکتاتوری» بشار اسد مرتبط ساخت. **آیا اعزام صدها تروریست عربستانی، پاکستانی، قطری و لیبیایی و کشتار و انفجارات در سوریه را باید به حساب این گذاشت که خاندان اسد دیکتاتور است؟** یا این که مقاصد شوم دیگری در کار است. اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی در خارجه که بسیاری از آنها عبا و ردای «سرخ» هم به تن دارند، به خوبی این را می‌دانند، اما اینان معامله‌گرند و شیوه «نان کافر بخور و برایش شمشیر بزن» را در پیش گرفته‌اند. «چپ» و «مارکسیسم» و تشکیلات را به

مغازه برای پول‌سازی تبدیل کرده اند. به همین دلیل همه به ناقلان اخبار و گزارشات رسانه‌های امپریالیستی تبدیل شده اند. تحلیل دیالکتیکی، بررسی علمی از اوضاع در قاموس اینان ناپدید شده است.

امریکا در سال ۲۰۰۳، به قصد تشکیل «خاورمیانه جدید» به عراق حمله کرد تا با تسلط بر گاز و نفت جهان بتواند امپراتوری خود را دایمی کند. اما مقاومت سرسختانه ملت عراق و تشکیل «مقاومت ملی» برنامه امریکا را در هم ریخت و میلیتاریسم امریکا به همراه اقتصاد و سیاست این کشور با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو و مجبور شد با خفت و خواری خاک عراق را ترک کند.

اما همانطور که گفته اند «توبه گرگ مرگ است». پس از استعمار مجدد لیبی، فیل امریکا یاد هندوستان افتاد تا با حمله به سوریه مجدداً بتواند به عراق بازگردد و آب رفته را به جوی بازگرداند.

توطئه پشت توطئه، منجر به ارسال هیأت بازرسان عرب تحت نام پرطمطراق «پروتکل» گردید. و هیأتی زیر نظر محمد دابی آماده رفتن به سوریه شد. امریکا فکر نمی‌کرد که سوریه موافقت کند و خواهد توانست به آن بهانه بلای لیبی را سر سوریه بیاورد. اما سوریه نه فقط هیأت و «پروتکل» را پذیرفت، بلکه با تمام توانش با آن همکاری نیز کرد. همکاری دولت سوریه و گزارشهای بازرسان به نفع دولت سوریه و به ضرر امریکا بود. لذا نبیل العربی و نخست وزیر قطر به یکباره عمل بازرسی را متوقف و اعلام کردند که می‌خواهند از سازمان ملل کمک بگیرند و بدین وسیله راه جنگ و اشغال سوریه را برای امریکا همورا کنند و خوشبختانه این ترفند شوم هم با «وتو» روسیه و چین نقش بر آب شد.

روسیه، چین و ایران می‌دانستند که سقوط سوریه به معنای بازگشت مجدد امریکا به عراق و محاصره ایران است که در نتیجه آن کل نفت خلیج فارس، گاز کردستان و قطر، منابع گاز و نفت ترکمنستان و آذربایجان همه و همه به دست امریکا خواهد افتاد. فوری‌ترین اقدام امریکا، زیر فشار قرار دادن چین و هند و گرفتن بازار نفت و گاز اروپا از روسیه است. و تو حدیث مفصل بخوان از این مجمل: «رسیده بود بلایی ولیک بخیر گذشت.»

هنوز جهانیان فجایع ضدانسانی و ضداخلاقی «دمکراسی» و «حقوق بشر» امریکایی را در عراق و افغانستان فراموش نکرده اند، امریکاییها می‌خواهند سناریوی بدتری را در منطقه پیاده کنند و البته مزدوران و نوکرانی نیز دارند که برایشان هورا بکشند.

در اینجا بد نیست گوشه‌هایی از مصاحبه ژنرال محمد دابی سودانی، رییس بازرسان عرب در سوریه، که در تاریخ ۲۳ جنوری ۲۰۱۲ در خرطوم با شرکت رسانه‌های بین‌المللی انجام شد، آورده شود:

- دولت سوریه همه گونه همکاری را با ما انجام داد و ما هیچ مشکلی نداشتیم.
- دولت سوریه ۵/۰۰۰ نفر زندانی حوادث اخیر را با حضور ۵ سازمان حقوق بشر بین‌المللی که به سوریه آمده بودند، آزاد کرد.
- ما با دو نوع تظاهرات در سوریه رو به رو بودیم: یکی تظاهرات عمومی مردم در دفاع از بشار اسد و مخالفت با دخالت خارجی، و دیگری تظاهرات اپوزیسیون داخلی که مسالمت‌آمیز بود و دولت نیز با آن‌ها رفتار ملایم داشت.
- در شهر حمص با خشونت فراوانی روبه‌رو بودیم، اما دولت سوریه هنگامی به خشونت روی آورد که حملات مسلحانه از طرف گروه‌هایی که از خارج مرزها آمده بودند، شروع شد. دولت در برابر آنان واکنش نشان می‌داد. به همین دلیل امریکا عمل بازرسان را متوقف کرد و نتیجه‌اش را هم دید.

بدون شک در سوریه مشکلات وجود دارد، اما توپ و تانک و تروریستهای بنیادگرای امریکایی و عربستانی کمکی به حل آن مشکلات نخواهند کرد، بلکه ملت و دولت سوریه خود صلاحیت و توانایی آن را دارند که مشکلات خود را حل کنند.